

نمونه واژگانی که هم معنای قدیم خود را حفظ کرده اند و هم معنای جدید پذیرفته اند: زین: در قدیم به معنی زین اسب امروزه علاوه بر این معنی در معنای زین موتور و دوچرخه به کار می رود / رکاب: در قدیم به معنی حلقه فلزی دو طرف زین اسب، امروزه علاوه بر این به معنی رکاب دوچرخه و اتوبوس

وضعیت پنجم معنای واژگان در طول زمان که در کتاب ذکر نشده است: برخی واژگان در گذشته چند معنا داشته اند برخی از آن معانی در طول زمان از بین رفته اند ولی برخی دیگر از معانی آن واژه ها امروزه کاربرد دارند؛ مثلا واژه «افسرده» در گذشته در معنی «یخ بسته شده، جامد، اندوهگین و ملول» به کار می رفته است. امروزه دو معنی نخست این واژه دیگر کاربرد ندارد ولی در معنای اندوهگین و ملول به کار می رود - «پیوند» در قدیم معنای متعددی داشته است یکی از آن معانی «علاقه و دوستی» است که امروزه کاربرد ندارد - واژه «تماشا» نیز در گذشته هم به معنی «نظر کردن به چیزی» و هم «گشت و گذار» بوده است اما معنی دومی امروزه کاربرد ندارد.

زخم: در قدیم در معنای ضربه و جراحت، امروزه فقط در معنی جراحت کاربرد دارد - سبک: در قدیم در معنای شتابان و کم وزن، امروزه فقط در معنی کم وزن به کار می رود.

اگر در آزمون مجبور به انتخاب چهار وضعیت شدیم در صورت ذکر چنین واژگانی با معنی ای که امروزه کاربرد ندارند باید وضعیت اول یعنی واژگان متروک را انتخاب کرد. اگر بدون معنی یا بدون متن که معنی قدیمی دارد به کار رود باید وضعیت سوم را انتخاب کرد یعنی با همان معنی قدیم به حیات خود ادامه می دهد.

ابدال (درس ۱۴ فارسی ۲)

تمام کلمات ممال فرایند ابدال دارند: مثلا لیکن، سلیح، مزیح، هلیم، اسلیمی که در اصل لکن، سلاح، مزاح، هلام، و اسلامی بوده اند.

تبدیل «ا» به «آ» ابدال است: روباه = روبه

گاهی ابدال شکل نوشتاری می گیرد: یعنی در ابتدا حالت نوشتار با گفتار یکسان نبوده و سپس حالت گفتار بر حالت نوشتار غلبه کرده است مثلا سپید می نوشتند و سفید تلفظ می کردند و آرام آرام و در طی زمان حالت گفتاری تبدیل به نوشتار شده است و اکنون سفید می نویسند و سفید هم می خوانند از این دست می توان به واژه هایی مانند اسپ: اسب / پیل: فیل / پارس: فارس، اشاره کرد.

تبدیل «ب» به «و» ابدال است: نوشت: نوشت

تبدیل «جت» به «شت» ابدال شمرده می شود: اجتماعی: اشتماعی / پنج تا: پنش تا / مجتبی: مشتبی

تبدیل «هجده» به «هژده» ابدال محسوب می شود.

نمونه های ابدال در مصوت: نمی آید - نمی شنوند - برو - نمی پذیرند - نمی دانستم

نمونه های ابدال در صامت: سنبل - شنبه - اجتماعی - دنبال - چنبره - انبیا - تنبیه - زنبور - پنبه - مجتهد - بن بست - من بعد - هجده: هژده

حذف فعل و شناسه آن (درس ۱۵ فارسی ۲)

حذف شناسه؛ نوعی حذف که امروزه وجود ندارد: اگر دو یا چند فعل شناسه یکسانی داشته باشند، گاهی شناسه آخرین فعل را حذف می کردند: «یکی در حرب احد بود؛ گفت: بسیاری از صحابه شهید شدند؛ آب برداشتم و گرد تشنگان می گشت تا که رمقی از حیات باقی است.»

نمونه ای دیگر: «شیران غریبند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید.»

ادغام (درس ۱۵ فارسی ۲)

فرایند واجی ادغام با فرایند واجی کاهشی چه تفاوتی دارد: کاهش آن است که واج برخی کلمات تلفظ نمی شود مثل قندشکن که قن شکن تلفظ می شود اما چرا واژه هایی مثل «یگانه» را با این که «ک» هنگام تلفظ حذف می شود کاهش نمی دانیم و ادغام می نامیم؟ زیرا در این مورد و موارد